

الکس کالینیکوس

درآمدی تاریخی بر نظریه‌ی اجتماعی

ترجمه‌ی

اکبر معصومی‌گی



فهرست

- ۷ یادداشت مترجم
- ۱۱ پیش‌گفتار و سپاسگزاری
- ۱۳ یادآوری به خوانندگان
- ۱۵ مقدمه
۱. روشنگری
- ۳۱ ۱-۱. پیش‌تاریخ
- ۳۶ ۱-۲. مفهوم مدرنیته
- ۴۰ ۱-۳. علم اخلاقی
- ۴۸ ۱-۴. تکامل نظریه‌ی اجتماعی
- ۵۴ ۱-۵. فشارهای درونی
۲. هگل
- ۷۹ ۲-۱. مدرنیته‌ی آشتی‌جو
- ۹۲ ۲-۲. کارِ امرِ منفی
- ۱۰۵ ۲-۳. بحث بر سر مدرنیته
۳. لیبرال‌ها و مرتجعان
- ۱۱۱ ۳-۱. بحث‌های پس از انقلاب
- ۱۲۷ ۳-۲. لیبرالیسم جدلی: توکویل و میل
- ۱۳۷ ۳-۳. مشیت و نژاد: مستر و گوپینو
۴. مارکس
- ۱۴۷ ۴-۱. ماجراهای دیالکتیک
- ۱۵۷ ۴-۲. تاریخ و سرمایه‌داری
- ۱۷۲ ۴-۳. مبارزه‌ی طبقاتی و انقلاب
۵. زندگی و قدرت
- ۱۸۵ ۵-۱. تکامل، پیش و پس از داروین

- ۲۰۰ ۲-۵. دو تکامل‌باور: اسپنسر و کائوتسکی
- ۲۱۰ ۳-۵. طبیعت به منزله‌ی اراده‌ی قدرت: نیچه
۶. دورکم
- ۲۲۳ ۱-۶. تکامل اجتماعی و عینیت علمی
- ۲۴۱ ۲-۶. جامعه به عنوان واقعیتی اخلاقی
- ۲۵۱ ۳-۶. معنی و باور
۷. وبر
- ۲۶۳ ۱-۷. کشاورزی پروس و دولت آلمان
- ۲۷۵ ۲-۷. علم و خدایان در حال جنگ
- ۲۸۵ ۳-۷. تاریخ و تبیین عقلانی
- ۳۰۳ ۴-۷. امپریالیسم لیبرال و سیاست دموکراتیک
۸. توهم‌های پیشرفت
- ۳۱۹ ۱-۸. مرگ عجیب اروپای لیبرال
- ۳۲۵ ۲-۸. عینیت و بیگانگی: زیمل
- ۳۳۳ ۳-۸. خود و اشکافته: فروید
- ۳۴۴ ۴-۸. خاطرات و اسپماندگی: روشنفکران روسی و سرمایه‌داری
۹. انقلاب و ضدانقلاب
- ۳۵۷ ۱-۹. مارکسیسم هگلی: لوکاج و گرامشی
- ۳۷۶ ۲-۹. هایدگر و انقلاب محافظه‌کارانه
۱۰. عصر زرین
- ۳۹۹ ۱-۱۰. نظریه‌های سرمایه‌داری: کینز و هایک
- ۴۱۶ ۲-۱۰. جامعه‌شناسی کارکردباور: تالکوت پارسونز
- ۴۳۰ ۳-۱۰. نقد یاس آور: مکتب فرانکفورت
۱۱. فروپاشیدگی؟
- ۴۵۱ ۱-۱۱. دهه‌ی ۱۹۶۰ و پس از آن
- ۴۶۴ ۲-۱۱. ساختار و فاعل: لوی استروس و آلتوسر
- ۴۷۸ ۳-۱۱. انتقام نیچه: فوکو و پساساختارگرایی
- ۴۹۳ ۴-۱۱. ادامه دادن سنت: هابرماس و بوردیو
۱۲. به جای نتیجه
- ۵۵۹ برای مطالعه‌ی بیشتر
- ۵۶۹ یادداشت‌ها
- ۶۱۱ نمایه

یادداشت مترجم

ظهور روشنگری در اروپای سده‌ی هجدهم آغاز عصر تازه‌ای را رقم زد که با هیچ عصر دیگری در سراسر تاریخ بشر قابل مقایسه نبود. مدرنیته نخستین عصری است که برخلاف دوران‌های گذشته حقانیت و مشروعیت خود را نه از گذشته بلکه از آینده می‌گیرد، نسبت به آینده خوشبین است و خوشبختی را بر زمین جست‌وجو می‌کند. در برابر سنت که همواره بر گذشته و حضور بی‌چون و چرای عناصر پیشین‌بنیاد تکیه دارد، نسبت به آینده دید «آپوکالیپتیک» و فاجعه‌آسا دارد، و آشوب نخستین را با قیامت واپسین پیوند می‌دهد، مدرنیته‌ی اصالت، خطرزایی و خطر آفرینی، تکاپوی بی‌وقفه، نفی مداوم و چون و چرا و تردید در همه‌ی چیزهای موجود را بر صدر می‌نشانند. از این جاست که به قول مشهور مارکس در مانیفست در برابر سیل درهم کوبنده‌ی عنصر مدرن «همه‌ی چیزهای صلب و سخت دود می‌شود و به هوا می‌رود». انسان‌ها به جست‌وجوی علت سعد و نحس امور، دیگر چشم به آسمان ندارند، و اقتدار و مرجعیت را در سنت نمی‌جویند؛ بلکه در عوض، جوامعی که در غرب سر برمی‌آورند خود را به میزان موفقیت‌شان در کشف و کاربرد

شناخت علمی و افزایش امکانات بشر در تسلط بر جهان (هم جهان طبیعی و هم انسانی) محک می‌زنند.

چنان‌که نویسنده در فصل پایانی کتاب می‌گوید هم از آغاز ظهور مدرنیته سه گزینه در برابر انسان مدرن قرار می‌گیرد: پذیرش آگاهانه‌ی مدرنیته و لوازم آن (خواه بی‌قید و شرط و خواه با شرط و شروط)، نفی و انکار بنیادی آن و کوشش همه‌سویه برای دگرگونی و بازسازی انقلابی آن مطابق نیازهای انسان مدرن، عقل محور و برابری‌خواه. امتیاز بزرگ کتاب الکس کالینیکوس در این است که گذشته از لحن زنده، پرتپش و هیجان‌انگیز خود در باز تفسیر مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون توانسته است چنان‌که باید و شاید این سه گزینه‌ی اساسی را بشکافد و هریک از اندیشه‌وران مورد بحث را در چارچوب این مدل و به تناسب دوری یا نزدیکی این متفکران به این گزینه‌ها مورد واری قرار دهد.

کالینیکوس بررسی خود را از روشنگری می‌آغازد، سپس به مونتسکیو، آدام اسمیت و روشنگران اسکاتلندی، هگل، مارکس، توکوویل، مستر، گوینو، داروین، اسپنسر، کائوتسکی، نیچه، دورکم، وبر، زیمل، فروید، لوکاج، گرامشی، هایدگر، کینز، هایک، پارسونز، مکتب فرانکفورت، لوی استروس، آلتوسر، فوکو، هابرماس و بوردیو می‌پردازد و سرانجام نیز در فصل پایانی وضع کنونی نظریه‌ی اجتماعی از جمله تحلیل «مدرنیته‌ی متأخر» اولریش بک و آنتونی گیدنز را به بررسی می‌گیرد. امتیاز دیگر کار کالینیکوس این است که برخلاف شیوه‌ی مرسوم چند دهه‌ی اخیر که با اوج‌گیری «مطالعات فرهنگی» و رواج «فرهنگ‌گرایی»، اقتصاد سیاسی از کتاب‌های دانشگاهی در رشته‌های جامعه‌شناسی و نظریه‌ی اجتماعی تقریباً یکسر به کناری نهاده شده است، کتاب حاضر، به تعبیری، فراخوانی دارد به بازگشت به بنیادها، و در وهله‌ی نخست بنیادهای اقتصاد سیاسی.

الکس کالینیکوس (۱۹۵۰)، استاد علوم سیاسی دانشگاه یورک،